

هم شام می‌خوردند و در موقع شام، یکی پس از دیگری به ترتیب سخن می‌گفتند نمونه‌ای از این مهمانیها، در کتاب مهمانی شرح داده شده است.

تعلیمات استاد و سخنرانیهای شاگردان، در موضوعات گوناگون بود و نوشته‌های افلاطون، نشانه این گوناگونی است. موضوع این تعلیمات و سخنرانیها بر روش دیالکتیک بررسی می‌شدند و دیالکتیک پیش از بنیانگذاری آکادمی، سقراطی بود و سپس دیالکتیک افلاطونی شد. از میان علمهای آن زمان به دو علم ستاره‌شناسی و ریاضی اهمیت بیشتری داده می‌شد و از همین جاست که گفته‌اند بر سر در آکادمی نوشته بود که هر کس هندسه نمی‌داند، به درون این باغ نیاید»<sup>(۱)</sup>

### معلم:

در فلسفه تربیتی افلاطون معلم جایگاه مهمی دارد. او کسی است که خود به عالم ایده‌ها نایل آمده و مراحل عالی تربیت را طی کرده است، به درجه فهم رسیده و اکنون رسالتی عظیم بر عهده دارد، او باید به جهان محسوسات برگردد تا افراد را به وسیله خود و همراه با خود از مراحل گمان و عقیده گذرانده و به مرحله فهم که عالیترین درجه کمال است راهنمایی کند و عشق را که محرک اصلی رسیدن به ایده نیک است در وجود انسانها بیدار کند، آنها را در پرتو عقل به جهان حقیقت هدایت نماید؛ تا به ایده نیک که تجلی‌گاه روشنایی است نایل آیند چنین معلمی:

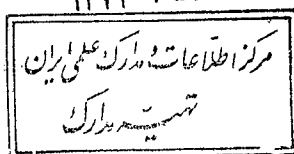
۱ - باید انعکاسی از ایده نیک باشد و به معرفت حقیقی یعنی ایده نایل آمده باشد و جهان معنوی را درک کرده، اگر چه به زحمت ادراک می‌شود، البته هر کسی لیاقت نایل شدن به آن را ندارد و کسی به آن نایل می‌آید که مراحل عالی معرفت را طی کرده باشد چنین کسی که در زندگانی شخصی و اجتماعی با دانایی رفتار می‌کند شایسته مقام معلمی است.

۲ - در کار خویش یک متخصص است نه آنکه غیر از معلم و مربی بودن به مشاغل دیگر

(۱) محمود هومن، فلسفه، کتاب دوم، صفحه ۲۴-۲۳

بررسی تطبیقی اندیشه‌های فلسفی - تربیتی  
افلاطون و جان دیویی

۱۳۷۴ / ۵ / ۱۶



به راهنمایی:

دکتر میر عبدالحسین نقیب زاده

استادان مشاور:

دکتر علی شریعتمداری و دکتر عزت‌اله نادری

دانشجو:

حسنعلی بختیار نصرآبادی

(فوق لیسانس تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت)

تقدیم به:

دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم تهران

برای

اخذ درجه دکتری در علوم تربیتی (تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت)

بهمن ماه ۱۳۷۳



۲۱۱


بسمه تعالی

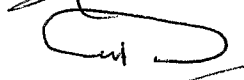
**این پایان نامه تحت عنوان،**

بررسی تطبیقی اندیشه‌های فلسفی - تربیتی افلاطون و جان دیویی به منظور دریافت درجه دکتری علوم تربیتی با گرایش "فلسفه تعلیم و تربیت" که توسط آقای حسنعلی بختیار نصرآبادی تهیه شده بود، در جلسه مورخ ۷۳/۱۱/۲۶ در حضور هیات داوران پس از دفاع با درجه "بسیارخوب" مورد قبول


قرار گرفت.

**هیات داوران**

 **استاد راهنما: دکتر میرعبدالحسین نقیب زاده**

 **استاد مشاور: دکتر علی شریعتمداری**

 **استاد مشاور: دکتر عزت‌ا. نادر**

 **استاد عضو: دکتر مصطفی مسکریان**

 **استاد عضو: دکتر بهرام محسن‌پور**

## پیشگام

دنیای اندیشمندان، دنیای شگفت‌انگیزی است. هر انسانی مایل است به دنیای آنان نزدیک شود، با آنان اتصال روحانی و ارتباط معنوی برقرار کند. در حلقه جمع آنان، که والاترین حوزه انسانی است، وارد شده و قابلیت‌های خود را فعلیت بخشد.

متفکران بزرگ به کسانی که بدانند، چگونه از آنان بپرسند، با شوق و عنایت پاسخ می‌دهند، به همه آنان راه اندیشیدن را می‌آموزند، البته در این راه بندرت می‌توان از این بزرگان فراتر رفت و بر آنان سیطره فکری افکند. ولی با نگاهی به اندیشهٔ آنان می‌توان خود را کشف و تحقق بخشید.

در اینجا این سوال مطرح است، که اگر اندیشه‌های این بزرگان چنانچه باید، ادراک گردد و در افکار اقوام و ملل نفوذ کند، آیا می‌تواند انسانها را در مقابل بلاها و فاجعه‌های ناشی از عدم تربیت صحیح، حفظ کند؟ یا فقط به اشخاص معدودی این امکان را می‌دهد که با وجدان روشن،

مقام رفیع آزادی را، که بر حقیقت متعالی بیان نهاده شده محفوظ دارند و مصائبی را که در شرف وقوع است تحمل نمایند؟

پاسخ به این سوالات هرچه باشد، این نکته به نظر می‌رسد، که متفکران بزرگ در خلال هزاران سال راهی را پیموده‌اند، که بشر را به عمیق‌ترین فرهنگ خرد و فرزانه‌گی رهبری کرده، و باعث نجات بسیاری از سقوط حتمی گردیده‌اند، پس ضرورت بررسی اندیشه‌اندیشمندان روشن است، اما این کار نیاز به تسلط محقق و گزینش در حیطه موضوع دارد.

بر این اساس در اینجا برای گروهی که به کار فلسفه تعلیم و تربیت مشغولند، راهی هموار می‌گردد، که هم آشنایی با اندیشه‌های افلاطون و دیویی به عنوان دو فیلسوف تربیتی قدیم و جدید ممکن باشد و هم با مقایسه این نظریات و رسیدن به نقاط مشابه و غیر همانند، زمینه یافتن افق‌های جدید در اندیشه‌ها تربیتی‌گشوده شود.

مسئلاً، راهنمایی‌ها و پیشنهادهای سازنده در رفع کمبودها و نقص‌ها موثر خواهد بود و به این نوشته غنای بیشتری خواهد بخشید.

در پایان از استادان عزیز و ارجمند آقایان دکتر نقیب‌زاده که راه اندیشیدن، دکتر شریعتمداری که شیوه مربی بودن و دکتر نادری که محقق بودن را به بنده آموختند و در راهنمایی این نوشتار نکات و پیشنهادهای ارزنده‌ای ارائه نمودند، نهایت قدردانی و تشکر را نموده و از خداوند بزرگ برای آن بزرگواران توفیق بیشتری را در خدمت به علم و دانش مسألت دارم.

والسلام

نصرآبادی

۱۳۷۳

فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
	پیشگفتار
	فصل اول - طرح تحقیق
۱	- مقدمه
۳	- تعریف و بیان موضوع
۴	- اهداف تحقیق
۵	- روش تحقیق
۶	- اهمیت و ضرورت تحقیق
۷	- محدودیت‌ها
۸	- واژه‌ها و اصطلاحات
	فصل دوم - سابقه پژوهش
۱۳	- مقدمه
۱۴	- فلسفه، تربیت و ارتباط این دو
۳۶	- ارتباط آراء فلسفی و تربیتی
۴۰	- سابقه پژوهش
	فصل سوم - افلاطون
۴۵	- زندگی‌نامه، آثار و منزلت او
۹۲	- اندیشه‌ها و آراء فلسفی
۱۷۱	- اندیشه‌های تربیتی
	فصل چهارم - دیویی
۲۲۴	- زندگی‌نامه، آثار و منزلت او
۲۴۶	- اندیشه‌ها و آراء فلسفی
۳۱۱	- اندیشه‌های تربیتی

فصل پنجم - مقایسه و بررسی آراء فلسفی - تربیتی افلاطون و جان دیویی

۳۸۱ ..... - بررسی و مقایسه آراء و اندیشه‌های فلسفی

۴۱۶ ..... - بررسی و مقایسه آراء و اندیشه‌های تربیتی

۴۴۷ ..... فصل ششم - بحث و نتیجه‌گیری

۴۶۰ ..... فهرست منابع



# فصل اول

طرح تحقیق

## مقدمه

دنیای گذشتگان با دنیای ما فاصله‌ای عمیق دارد. گذشتگان در زمانی زندگی می‌کردند، که تربیت، زندگی و سعادت رنگ معنوی داشت. در آن عصر از تجربه و صنعت کمتر سخن گفته می‌شد. اساس جامعه بر مبنای فرهنگ خاص جامعه کشاورزی بنا شده بود. در چنین جامعه‌ای تغییر و دگرگونی نقش مهمی نداشت، غایت حرکت انسانها کمال نهایی بود.

برعکس دنیای قدما، دنیای ما محدودیت زمان و مکان را برداشته، فضا را بشکافته و به راز و رمز جهان مادی پی برده. این جهان را در حال تحول و دگرگونی یافته، تجربه و صنعت جای خود را باز کرده و میدان را از نگرشهای معنوی گرفته است. اختراعات، جهان را متحول ساخته و تحولات اساسی در فرهنگ و ایدئولوژی به وجود آورده است.

سازگاری با تغییر و تحولات روزافزون، ایجاد نگرشهای جدید را می‌طلبد که این وظیفه بر عهده مربیان جامعه ماست. لذا مربیان و فیلسوفان تعلیم و تربیت، نیز بگونه‌ای خود به

دنبال تغییر الگوهای تربیتی گذشتگان برآمده‌اند و در سر آن دارند، که با نگرش جدیدی که با دنیای امروز و نوآفرینی تمدن جدید هماهنگی دارد، به ساختن مدلی برای تربیت انسان بپردازند.

این نوشتار در پی آن نیست که علل و عوامل شکاف دنیای جدید و قدیم و یا به عبارتی نسل جدید و قدیم را مشخص کند، بلکه بر اساس این پیش فرض، که تغییر ساختار اجتماعی و زندگی انسان‌ها، چه با تغییر تدریجی و چه با انقلاب همراه، باشد در هر حال با اراده و اقدام انسان صورت می‌گیرد و در مواقعی که ضرورت تغییر به وجود می‌آید، و این پرسش که چه باید کرد؟ به صورت حادی مطرح می‌شود که جوابی را می‌طلبد و باید در پی آن بود.

مسئله با ارزیابی دقیق از مقام و منزلت ایشان در جهان و مقدرات او برای سامان دادن به زندگی و پایان دادن به وضع پریشانی که در هر عصر دامنگیر انسانها بوده، راه حل‌های در فلسفه تعلیم و تربیت توسط مریبان و صاحب نظران ارائه شده که دانستن آن برای کلیه دست اندرکاران و کسانی که به گونه‌ای با تعلیم و تربیت سروکار دارند امری لازم و ضروری است چه بسا آن راه حلها با فطرت انسان سازگار بوده و برای همه زمانها کارآمد باشد.

بعلاوه با ظهور انقلاب عظیم اسلامی ایران و مطرح شدن انسان با سیمای دیگر، و ناهمخوانی این چهره با اندیشه‌ها متفکران غرب در بعضی موارد، ضرورت بازبینی اندیشه‌های مریبان غرب را دوچندان کرده است.

پس ضرورت بحث بر کسی پوشیده نیست، اما بررسی اندیشه‌های همه مریبانان کار آسانی نیست، و نیاز به زمان و کار طولانی دارد، که در حد این رساله نیست بر این اساس محقق دست به گزینش زده، افلاطون و دیویی را با توجه به دو فاصله زمانی برگزیده، چه این دو فیلسوف تربیتی هر دو بانگرش عمیق فلسفی به مسائل تربیتی نگرسته، و اندیشه‌های مفیدی در تعلیم و تربیت ارائه داده‌اند، که قابل تأمل است.

در توضیح بیشتر این ادعا باید گفت که :

مربیان تعلیم و تربیت غرب به چهار گروه تقسیم می‌شوند.

الف - فیلسوفانی که نوشته‌های پراکنده‌ای، در مورد تعلیم و تربیت ارائه داده و نوشته‌های آنها بیشتر مربوط به مدرسه رفتن و مسائل جزئی تعلیم و تربیت است، که از کار اساسی این نویسندگان جداست، «جان لاک» که نوشته‌هایی در مورد مسایل تربیتی دارد، ولی این مسائل از یک نظام فلسفی خاصی بر نمی‌خیزد و چندان عمیق نیست. از این گروه است.

ب - فیلسوفانی که نوشته‌های فلسفی، به ویژه در اخلاق، شناخت و هستی‌شناسی دارند و اشاراتی نیز به تعلیم و تربیت کرده‌اند، ولی کار اساسی آنها بیشتر فلسفی است تا تربیتی، «کانت و راسل» از این دسته محسوب می‌شوند.

ج - کسانی که تلاش‌های مستقیم فیلسوفانه‌ای، از مسائل تربیتی به عمل آورده‌اند و اندیشه‌های عمیقی در زمینه مسائل تربیتی از خود بیادگاری گذاشته‌اند، که راهگشای مربیان و دست‌اندرکاران مسائل تعلیم و تربیت شده است جمهوری افلاطون و دموکراسی و تعلیم و تربیت دیوئی در این ردیف است.

د - نوشته‌هایی که به وسیله مربیان تربیتی فراهم شده است، این کارها اگر چه با ارزش است ولی چون وابسته به موقعیت و شرایط خاصی است کاربرد آنها محدود است. مشاهده می‌شود که افلاطون و دیوئی در دسته سوم و از نگرشی فلسفی و تربیتی عمیق برخوردار هستند و اندیشه‌های آنان ارزش بررسی عمیق را دارند.

### تعریف و بیان موضوع تحقیق

افلاطون و دیوئی اندیشمندانی هستند که از جنبه فلسفی به مسائل تعلیم و تربیت نگریده و نکاتی جالب در این زمینه ارائه داده‌اند که در تاریخ تعلیم و تربیت از درخشندگی خاصی برخوردار است.

بسیاری از دانشمندان افلاطون را مبدع فلسفه تعلیم و تربیت می‌دانند چون نخستین

کسی بود که با نگرش فلسفی مطالبی در مورد انسان مطرح کرد. هستی و بایندی او را مشخص ساخت و تنها راه ارتباط بین بودن و شدن را تعلیم و تربیت دانست.

دیوئی فلسفه را به عنوان جنبه نظری تعلیم و تربیت بکار گرفت بنظر او فلسفه واقعی باید خاستگاه و غایت مطلق را ترک کند و به کاوش در زمینه ارزشهای خاص زندگانی عملی، اخلاقی و اجتماعی بپردازد، با این کار دیوئی تحولی جدید در فلسفه تعلیم و تربیت به وجود آورد که تا اندازه ای با دنیای صنعتی امروز تطابق داشت.

این تحقیق در پی آن است که :

اولاً اندیشه‌های فلسفی و تربیتی افلاطون و دیوئی را بررسی کند.

ثانیاً وجوه مشابه و ائتراق اندیشه‌های آنان را در جنبه‌های متافیزیکی، ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی و نگرشهای تربیتی در یابد. تا زمینه زایش اندیشه‌های جدید را فراهم کند.

### اهداف تحقیق:

همانطور که در بیان مسئله آمد، هدف اصلی تحقیق روشن کردن این مطلب است که آیا

چه همانندیها و تفاوت‌هایی بین نظرات فلسفی و تربیتی افلاطون و دیوئی وجود دارد؟ و آیا از مقایسه این نظریات می‌توان به نکات جدیدی که راهنمای ما در مسائل تربیتی باشد دست یافت؟ با جواب به این سوالات است که به بینش عمیق و شناخت واقعی اندیشه‌های دو مربی

مذکور پی برده، و زمینه لازم برای گسترش اندیشه‌های تربیتی فراهم می‌گردد.

البته در این راستا سوالات ویژه‌ای مطرح می‌گردد که برای رسیدن به هدف اصلی پاسخ

دادن به آنها ضروریست. این سوالات عبارتند از :

۱ - افلاطون و جان دیوئی چه کسانی هستند و از چه موقعیت و منزلت در تاریخ تعلیم و

تربیت برخوردارند؟

۲ - دیدگاه این دو مربی در مورد مبانی متافیزیکی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی

چیست؟ از واقعیت معرفت و ارزش چه تفسیری دارند؟

۳- افلاطون و دیوئی از چه دیدگاه تربیتی برخوردارند؟ آیا در مورد هدف، برنامه و روش تعلیم و تربیت چه نگرشی دارند؟

۴- افلاطون و دیوئی در اندیشه‌های فلسفی و تربیتی دارای چه دیدگاه‌های مشترک و متفاوتی هستند.

و آیا با این بررسی به چه نکاتی می‌توان رسید؟

با جواب به این سوالات است، که محقق به هدف اصلی تحقیق که بررسی و مقایسه اندیشه‌های افلاطون و دیوئی است نزدیک شده، و امکان شناخت و دستیابی به اندیشه‌های جدید را فراهم می‌سازد.



### روش تحقیق

به منظور جمع‌آوری و بهره‌گیری از اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن، محقق روش مطالعه موردی مبنی بر تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای را برای پژوهش حاضر پیشنهاد می‌کند، این روش براساس آنچه «جرج.زد. ف. بردی»<sup>(۱)</sup> یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران لهستانی و صاحب مقالات زیادی در تعلیم و تربیت در زمینه مطالعات مقایسه‌ای ارائه می‌دهد دارای چهار مرحله است که می‌توان آن را در دو مرحله کلی خلاصه کرد. این مراحل عبارتند از:

۱- مرحله توصیف و تفسیر<sup>(۲)</sup>

۲- مرحله همجواری و مقایسه<sup>(۳)</sup>

(۱) George, Z.f. beredy

(۲) description and interpretation

(۳) Juxtaposition and comparison

در مرحله اول به اعتقاد بردی باید به توصیف پدیده‌های مورد تحقیق، پرداخت، شواهد و اطلاعات لازم را در این مورد جمع‌آوری کرد و مدارکی که با مطالعه اسناد و مدارک و یا از طریق مشاهده مستقیم به دست می‌آید، فراهم کرد. و بعد از یادداشت برداری و تدارک، یافته‌های کافی در زمینه موضوع، باید به توضیح و تفسیر آن اطلاعات پرداخت و برطبق اصول علمی و یا فلسفی آن‌ها را دسته‌بندی کرد. (بردی ۱۹۷۵)

در مرحله دوم، اطلاعات به دست آمده از مرحله اول را در کنار هم بصورت جداولی قرار داده تا همانندیاها و تا همانندیاها مشخص شود و راه برای نتیجه‌گیری براساس روش استدلالی - قیاسی هموار گردد.

روش جمع‌آوری اطلاعات به روش فیشه‌برداری و مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بر اساس این روش ابتدا واژه‌ها و عبارات مربوط به موضوع مشخص شده، به مرکز کامپیوتری وزارت علوم، سر عنوانهای موضوعی، اصطلاحنامه‌ها و نمایه‌ها مراجعه و پس از دستیابی، و اطمینان از اعتبار منابع به مطالعه و بررسی پرداخته شد.

### اهمیت و ضرورت تحقیق

در اهمیت موضوع تحقیق می‌توان به نکات زیر اشاره کرد.

۱ - اندیشه‌های فلسفی - تربیتی مانند منظومه‌هایی هستند که بر گرد یک کانون تشکیل یافته‌اند، هر کدام از این اندیشه‌های سیمای انسان را به گونه‌ای خاص ترسیم می‌کنند، و برای شدن انسان راه حلهایی ارائه می‌دهند که توجه به اصل «جلوه آفرینی مداوم انسان»، نیاز به تجدید نظر مداوم در اندیشه‌های گذشتگان و ارائه نظریات جدید برای تربیت انسان همواره باقی است.

همانطور که قبلاً اشاره شد، با مطرح شدن سیمای دیگری از انسان، در انقلاب اسلامی و به وجود آمدن تضادها و تعارضهایی بین اندیشه‌های تربیتی ما و اندیشه‌های مریبان غرب، ضرورت بازبینی این اندیشه‌ها، دو چندان شده‌چپه این کار علاوه بر بسط افق دید مریبان،

حل تعارضات دیدگاهها را، به دنبال خواهد داشت.

۲- نظام تربیتی حاکم جهان امروز، بیشتر تحت تاثیر اندیشه‌های کشورهای غربی است و این اندیشه‌ها تا اندازه‌ای پرتوی از نظریات فلسفی- تربیتی مریبان آنهاست. بررسی اندیشه‌های مریبان غرب، زمینه‌ای برای درک بیشتر و مهمتر نظام‌های تربیتی موجود در دنیاست.

۳- عدم آشنائی با اندیشه‌های فلاسفه تعلیم و تربیت مانع درک رابطه تئوری و عمل است، می‌دانیم که معلم به عنوان فردی که باید یک سری تکنیک‌ها را در ارتباط با شکل و شغل معلمی بداند در نظر گرفته می‌شود. ولی در اینجا این سوال مطرح است که آیا فقط دانستن فن معلمی برای او کافی است و یا اینکه دانستن اندیشه‌های نظری تعلیم و تربیت یک سری امکاناتی را در اختیار معلم قرار می‌دهد، که باعث می‌شود با دید بازتری به استفاده از تکنیک بپردازد و آنها با اطمینان بیشتری بکار ببرد.

در نهایت، این تحقیق می‌تواند، جهت آشنائی با اندیشه‌های دو مربی بزرگ تعلیم و تربیت غرب برای دانشجویان تعلیم و تربیت راهگشا باشد و رشد ذهنیت فلسفی را به دنبال داشته باشد.

### محدودیت‌های تحقیق

مشکل خاص غیر قابل کنترل که در این تحقیق در مورد افلاطون وجود دارد این است که عدم آشنائی به زبان یونانی و عدم دسترسی به منابع دست اول، ممکن است تا اندازه‌ای ما را از رسیدن به حقیقت دور کند. چه ترجمه‌های عربی، روسی و انگلیسی خالی از برداشتها و تعصبات و پیش ساختهای ذهنی نیستند.

لذا در مورد افلاطون محقق ناچار است به آثار افلاطون شناسان بزرگ مانند هومن، یاسپرس و تایلر مراجعه کرده، این مشکل را تا حدی برطرف نماید.

نکته دیگری که می‌توان به آن اشاره نمود وسعت و تعدد آثاری است که این دو فیلسوف